

چالش‌های زیست محیطی و رویکرد حرفه مددکاری اجتماعی

بی شک، «مسائل زیست محیطی» یکی از مهمترین پرابلماتیک‌های معرفتی و تجربی است که جامعه بشری در دوره متاخر با آن روبرو گشته و سعی در یافتن راه حل‌های پایدار برای آن‌ها دارد. با اینکه مسائل محیط‌زیست از ماهیت بین‌رشته‌ای برخوردار است و می‌تواند موضوع علوم مختلف از قبیل جغرافیا، جانورشناسی، گیاهشناسی، اقیانوس‌شناسی، زیست‌شناسی، فیزیک دریا، شیمی، بیابان‌شناسی، جنگل‌شناسی و ... قرار گیرد، از متخصصان مددکاری اجتماعی نیز انتظار می‌رود تا به ما نشان دهند که چگونه می‌توان به صورت عملیاتی و کاربردی با این مشکلات روبرو شد، زیرا این مشکلات در بنیان «مشکلات اجتماعی» هستند که ریشه در رفتار انسان اجتماعی و فرآیندهای حاکم بر زندگی اجتماعی او هستند.

در این یادداشت کوتاه سعی شده است تا از منظر کارکردگرایی به بررسی رابطه میان جامعه با محیط‌زیست پرداخته شود چرا که پیش از هر چیز نیازمند روشن ساختن این موضوع است که محیط‌زیست از چه کارکردهایی برای جامعه انسانی برخوردار است یا به عبارت دیگر محیط‌زیست به کدام «نیازهای» جامعه پاسخ می‌گوید. رویکرد کارکردگرا با مفهوم‌سازی از محیط‌زیست به عنوان یک «کارکرد» به آن به عنوان یک حیطه فعالیت اجتماعی یا یک نقش اجتماعی می‌نگرد که از کارکردهای حیاتی برای جامعه انسانی برخوردار است و باید به حفظ این کارکرد پردازد و در صورت روبرو گشتن با مشکل باید به اصلاح کارکردهای آن دست زند. جامعه‌شناسی از این طریق محیط‌زیست را از یک مقوله صرفاً طبیعی خارج می‌سازد و آن را به عنوان یک «امر اجتماعی» تعریف می‌کند.

کارکردگرایان پس از مفهوم‌سازی از کارکردهای محیط‌زیست به طرح این پرسش می‌پردازند که چگونه ممکن است این کارکردها دچار اختلال گردند و جامعه انسانی را با مشکلی به نام مشکل محیط‌زیست روبرو کنند. در پاسخ به این مشکلات کارکردگرایان بر دو راه حل تاکید می‌کنند. نخست فراهم آوردن و ایجاد مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌ها که ارائه راه‌حل‌ها بر عهده آنهاست و دوم دعوت مردم به مشارکت مدنی در دفاع از محیط زیست که این دو نکته زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهومی جدید در حوزه رابطه میان جامعه با محیط‌زیست گشته که عنوان «توسعه پایدار» را بر خود دارد. توسعه پایدار راه حل نهایی کارکردگرایان برای حفظ محیط‌زیست در عین تداوم فرآیند توسعه جامعه انسانی است. در این رویکرد بر این دو نکته بنیادی تاکید می‌شود که در ارتقاء کیفیت زندگی انسان باید ظرفیت تحمل محیط‌زیست را در نظر گرفت و به نیازهای نسل کنونی انسان باید پاسخ داد بدون آنکه توانایی‌ها و امکانات نسل‌های آینده برای تامین نیازهایشان محدود شود.

در مباحث ارائه شده نکاتی وجود دارد که بخش‌هایی از نقش مددکاری اجتماعی در حوزه محیط‌زیست و کاهش آثار منفی هر بحران زیست محیطی را نشان می‌دهد. هر جامعه باید مسائل و مشکلات خود را به طور جامع، به درستی، با روشی علمی و از ابعاد گوناگون بشناسد. پس اولین گامی که مددکاری اجتماعی در یاری رساندن به حفاظت از محیط زیست می‌تواند بردارد، کمک به شناخت کامل مسائل و مشکلات است. طبیعی است که نقش مددکاری اجتماعی در زمینه شناخت آثار و نتایج مشکلات زیست محیطی و بحران‌های حاصل از آن برجسته است، با این وجود بدان محدود نمی‌شود. زیرا گروهی از مشکلات انسان ساخت

هستند و در اثر بی‌توجهی، بی‌نظمی و برخورد غیرعقلانی افراد به امور زیست‌محیطی و مسئولیت‌های خود، پدید می‌آیند. در گام بعدی فراهم نمودن امکانات و زمینه‌های لازم برای بسیج منابع و امکانات به منظور حل، کنترل یا کاهش مشکلات زیست‌محیطی است؛ در این بخش نقش مددکاران اجتماعی به عنوان حلقه واسطه بین مردم با یکدیگر، مردم و سازمان‌ها و سازمان‌ها با یکدیگر می‌باشد تا با استفاده از مهارت‌هایی که دارا هستند به تسهیل روابط بین گروه‌ها و ایجاد زمینه مشارکت تمام بخش‌ها بپردازد، همچنین با توجه به اهمیت موضوع، نقش مددکاری اجتماعی در پیشگیری از بحران زیست‌محیطی می‌تواند به نقد و تحلیل فعالیت‌های ناعاقلانه موجود در جامعه بپردازد و علل منجر به فجایع محتمل را برملا سازد. در اینجا است که نقش مددکاران اجتماعی به عنوان هشداردهندگان پیش از وقوع مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی باید زنگ خطر را به صدا درآورند. نگارش سناریو و برنامه پیشگیری و مقابله به صورت اجتماعی در مورد هر بحران زیست‌محیطی به صورت طبقه‌بندی شده که شامل اقدامات پیشگیرانه، فعالیت‌های ممنوع و مجاز، منابع و امکانات مورد نیاز برای مقابله با هر مشکل زیست‌محیطی توسط مددکاران اجتماعی متخصص باید تدوین گردد. در این برنامه باید علاوه بر پیش‌بینی‌های ضروری، پیش‌بینی‌های ممکن نیز مورد توجه قرار گیرد و در این بخش بسیج همگانی برای مقابله با عوامل بحران ساز فیزیکی و رفتاری در حوزه محیط‌زیست مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین مددکاران اجتماعی با انجام پژوهش‌های مرتبط با محیط زیست و حرفه مددکاری اجتماعی و با تاکید بر مفهوم شخص در محیط می‌توانند به سیاستگذاران کمک کنند تا پیش از بحران‌های زیست‌محیطی در بخش‌های اجتماعی یاری رسانند و این گونه در زمینه‌های برنامه‌ریزی شهری می‌توانند حضور یابند و در حفظ و ارتقاء سطح سلامت زیست‌محیطی کمک کننده باشند. در پایان بر این نکته نیز باید تاکید نمود که حرفه مددکاری اجتماعی با توجه به روش‌های مستقیم و غیرمستقیم خود می‌تواند علاوه بر حساس‌سازی در سطوح مردم و مسئولین در مرحله بعدی با روش اجتماع‌محور مشکلات زیست‌محیطی را به میان مردم برده و راه‌حل‌های بومی و منطقه‌ای از این فرآیند را شکل دهد.

سجاد مجیدی پرست

کاندیدای دوره دکتری تخصصی مددکاری اجتماعی از دانشگاه علامه طباطبائی

مدرس دانشگاه

عضو شورای نویسندگان مددکاری اجتماعی ایرانیان

www.iraniansocialworkers.ir